

## بررسی مقایسه‌ای آرایش سازه‌ها در زبان فارسی و ایتالیایی بر اساس مؤلفه‌های وابسته به اسم

الهام اکبری<sup>۱</sup>، رضا مرادصحرایی<sup>۲\*</sup>؛ علی کریمی فیروزجایی<sup>۳</sup>؛ محمدحسین رمضان‌کیایی<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه زبان‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۲\*</sup> استاد، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

<sup>۳</sup> استاد، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

<sup>۴</sup> استادیار، گروه ادبیات ایتالیایی و انگلیسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

نویسنده مسؤول: Email: [sahraei@atu.ac.ir](mailto:sahraei@atu.ac.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

### چکیده

رده‌شناسی زبان، شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است که به مطالعه تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام‌مند میان زبان‌های جهان و مقایسه ساختارهای صرفی و نحوی میان آن‌ها می‌پردازد. یکی از مباحث اصلی این حوزه، ترتیب واژه است که بر مبنای آن، زبان‌های مختلف از لحاظ ترتیب و توالی سازه‌ها بررسی و طبقه‌بندی می‌شوند. در پژوهش حاضر، بر اساس مؤلفه‌های رده‌شناسی ترتیب واژه، تلاش شده است تا شباهت‌ها و تفاوت‌های رده‌شناختی گروه اسمی در زبان فارسی و زبان ایتالیایی معیار، مشخص گردد. چارچوب تحلیل این پژوهش بر مبنای مؤلفه‌های تحلیل آرایش سازه‌ای معرفی شده در تحقیق دبیرمقدم (۱۳۹۲) و درایر (۱۹۹۲) است. از مجموع ۲۸ مؤلفه معرفی شده در این آثار، ۱۱ مؤلفه وابسته به اسم بررسی شده‌اند. نتایج این پژوهش، نشان‌گر آن است که این گروه دستوری در دو زبان، در بیشتر موارد به یکدیگر شباهت دارند. به‌طورکلی، در هر دو زبان، وابسته‌ها معمولاً پس از هسته (اسم) قرار می‌گیرند. با این حال، در موارد استثنا، وابسته‌ها ممکن است قبل از اسم قرار گیرند. درک شباهت‌ها و تفاوت‌های گروه اسمی در هر دو زبان می‌تواند به یادگیری سریع‌تر و آسان‌تر زبان، بویژه در مراحل ابتدایی یادگیری زبان‌هایی چون ایتالیایی کمک کند. به لحاظ نظری، انجام چنین پژوهش‌هایی در پیشبرد مطالعات محض مقایسه‌ای بین زبان‌ها، اهمیت فراوانی دارد.

**کلیدواژه:** رده‌شناسی زبان، دستور زبان، گروه اسمی، زبان فارسی، زبان ایتالیایی.

### ۱- مقدمه

بررسی مقایسه‌ای زبان‌ها و گزینش عنصرهای دستوری از هر زبان و تطبیق آن‌ها با یک زبان دیگر، همواره از موضوع‌های مورد علاقه زبان‌شناسان بوده است. پیش از پیدایش علم زبان‌شناسی این بررسی‌ها عمدتاً به گستره واژه و ریشه‌واژگان محدود می‌شد. اما با گسترش بررسی‌های مقایسه‌ای بر پایه اصل‌های بنیادین زبان‌شناسی، ساختارهای زبانی و عنصرهای دستوری زبان‌ها بیشتر مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفتند. این نوع بررسی‌ها همواره از دو مزیت برخوردار بوده‌اند: یکی گسترش بررسی‌های محض زبان‌شناختی و دیگری استفاده از این بررسی‌ها در گستره آموزش زبان به افراد دو زبانه. گروه اسمی نیز یکی از ساخت‌های زبانی است که از یک اسم به عنوان هسته و یک یا چند وابسته پیشین یا پسین ساخته شده‌اند. بررسی گروه اسمی، به ویژه ترتیب و توالی وابسته‌ها در زنجیره این گروه، از مشخصه‌های اصلی و مهم در تحلیل‌های رده‌شناختی زبان‌ها محسوب می‌شود. از آن‌جا که موضوع این پژوهش مربوط به گروه اسمی

می‌شود تنها به تعریف این گروه بسنده می‌کنیم (ارژنگ، ۱۳۸۱: ۲۳) گروه اسمی را چنین تعریف می‌کند: «گروهی از کلمات که به‌طور مشترک در یکی از نقش‌های اسم به کار می‌روند، گروه اسمی نامیده می‌شوند». در هر گروهی یک هسته است و بقیه کلمات به نوعی وابسته آن هستند». برای مثال، در گروه اسمی "این سه کتاب مرجع" هسته یعنی "کتاب" بین دو وابسته پیشین (این، سه) و یک وابسته پسین "مرجع" قرار گرفته است. بر این اساس، زبان‌شناسان پارامتر هسته را معرفی می‌کنند و بر اساس این پارامتر زبان‌ها را به دو دسته "هسته آغاز"، و "هسته پایان" تقسیم می‌کنند. در زبان‌های هسته آغاز، هسته هر گروه در آغاز گروه ظاهر می‌شود و وابسته‌ها بعد از آن می‌آیند. در زبان‌های هسته پایان، هسته هر گروه، در پایان گروه، بعد از همه وابسته‌های آن ظاهر می‌شود، مثل "فعل" در گروه فعلی زبان فارسی. البته زبان‌هایی هم هستند مثل فارسی که از نظر جایگاه هسته، در مواردی هسته آغاز و در مواردی هسته پایان و یا هسته وسط هستند. در گروه اسمی "این سه کتاب مرجع" هسته یعنی "کتاب" بین وابسته‌ها واقع شده است. بنابراین گروه اسمی می‌تواند از یک تنها تا یک گروه با اجزاء متعدد گسترش یابد:

الف) هوا آلوده است.

ب) هوای تهران آلوده است.

ج) هوای شهر بزرگ تهران آلوده است.

د) این هوایی که ما هر روز تنفس می‌کنیم آلوده است

ه) این هوای لعنتی کثیف سیاه دودآلود پر از بخارهای بنزین آلوده است و برای همه ضرر دارد.

در نهایت می‌توان گفت؛ هدف این پژوهش ارائه توصیفی از گروه اسمی در زبان‌های فارسی و ایتالیایی و مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو زبان در این زمینه است.

## ۱-۱- بیان مسئله

در تحقیق حاضر به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های گروه اسمی در دو زبان فارسی و ایتالیایی می‌پردازد. با توجه به اهمیت ترتیب واژه و ساختارهای نحوی در یادگیری زبان، این پژوهش به دنبال شناسایی الگوهای مشترک و متفاوت در ساختارهای گروه اسمی این دو زبان است. درک این تفاوت‌ها می‌تواند به تسهیل فرآیند یادگیری زبان ایتالیایی برای فارسی‌زبانان و یافتن الگوهایی برای تدریس زبان فارسی به ایتالیایی زبان‌ها کمک کند.

## ۱-۲- سؤالات تحقیق

۱. گروه اسمی در زبان فارسی و ایتالیایی چگونه تعریف می‌شود و چه تفاوت‌هایی در ساختار آن‌ها وجود دارد؟

۲. ترتیب وابسته‌ها و هسته در گروه اسمی در این دو زبان چگونه است؟

۳. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در توالی عناصر دستوری گروه اسمی در زبان‌های فارسی و ایتالیایی وجود دارد؟

## ۱-۳- فرضیه تحقیق

بر اساس پرسش‌های تحقیق، فرضیه‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به بررسی و تحلیل عمیق‌تری از گروه اسمی در زبان‌های فارسی و ایتالیایی کمک کنند. هر فرضیه به یکی از جنبه‌های مهم این موضوع پرداخته و به ما امکان می‌دهد تا تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو زبان را بهتر درک کنیم.

فرضیه ۱: گروه اسمی در زبان‌های فارسی و ایتالیایی دارای شباهت‌های ساختاری عمده‌ای است.

فرضیه ۲: وابسته‌ها در هر دو زبان معمولاً پس از هسته (اسم) قرار می‌گیرند، اما در موارد خاص، ممکن است قبل از اسم قرار گیرند.

فرضیه ۳: تفاوت‌های ساختاری در گروه اسمی می‌تواند بر یادگیری زبان ایتالیایی برای فارسی‌زبانان تأثیرگذار باشد.

## ۴-۱- پیشینه تحقیق

تحقیق در حوزه رده‌شناسی و ترتیب واژه‌ها در زبان‌های مختلف، به ویژه زبان‌های ایرانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مطالعات به ما کمک می‌کنند تا ساختارهای زبانی را بهتر درک کنیم و شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین زبان‌ها را شناسایی نماییم. در این راستا، پژوهش‌گران مختلف با تمرکز بر زبان‌های ایرانی و هم‌چنین زبان‌های دیگر، به تحلیل و بررسی عمیق‌تری از ساختارهای زبانی پرداخته‌اند. بررسی‌های انجام شده در این زمینه نه تنها به غنای ادبیات زبانی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به آموزش و یادگیری زبان‌ها نیز تسهیل بخشد.

## ۱-۴-۱- پیشینه مطالعات رده‌شناختی

از میان مطالعات انجام شده در حوزه رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان‌های ایرانی، می‌توان به آثار ثمره (ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی: ۱۳۶۹)، مرعشی (توصیف فعل در زبان فارسی: ۱۹۷۰)، محمودف (تحلیل ساختار نحوی زبان فارسی: ۱۹۷۴)، فرامر (دستور زبان فارسی: ۱۹۸۱)، کریمی (جنبه‌های نحو زبان فارسی: ۱۹۸۹) و درزی (ترتیب واژه و شرایط حرکتی NP در فارسی: ۱۹۹۶) اشاره نمود که همگی بر زبان فارسی متمرکز بوده‌اند. واحدی لنگرودی (ترتیب اصلی کلمات در جملات ساده و جفت‌های همبستگی در گویش گیلکی لنگرود: ۱۳۸۲)، صفایی اصل (رده‌شناسی ترتیب واژه در زبان آذربایجانی: ۱۳۹۴)، رضایی و خیرخواه (رده‌شناسی ترتیب واژه در گویش لری بویراحمادی: ۱۳۹۴) و رضایپور (ترتیب واژه در سمنانی از منظر رده‌شناسی زبان: ۱۳۹۴) نیز با در نظر گرفتن این ۲۴ مؤلفه، ترتیب واژه در آذربایجانی، لری بویراحمادی و سمنانی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رابطه متضاد بین جملات اسمی و عبارات اسمی در زبان‌های آلبانیایی و انگلیسی می‌پردازد. در این پژوهش، ساختار نحوی با استفاده از تحلیل اجزای سازنده بین این دو زبان توصیف می‌شود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این نوع توصیف چه نوع زبانی را نشان می‌دهد. طبق نظر توفت (۱۹۷۱)، عبارات اسمی شامل هر ساختاری است که توسط یک اسم، ضمیر، یا هر کلمه یا ساختاری که به جای اسم عمل می‌کند، هدایت می‌شود. به عبارت دیگر، حتی یک جمله کامل نیز می‌تواند به عنوان یک عبارت اسمی عمل کند. همچنین، وجود همزمان دسته‌های عبارتی و این که آنها "پروژه‌ها"یی از دسته‌های خاص در سطح کلمه هستند، نشان‌دهنده پیچیدگی این دسته‌هاست. این نکته ابتدا توسط هریس (۱۹۵۱) مورد تأکید قرار گرفت و سپس توسط موسکن (۱۹۸۵) و چامسکی (۱۹۷۰) گسترش یافت. در مطالعه دیگری با عنوان «دستوری‌شدگی وندهای اسمی»، زینگلر (۲۰۲۴) به بررسی نوعی تکواژ خالی که به اشکال اسم متصل می‌شود و "پسوندهای اسم نامیده می‌شود، می‌پردازد. با استناد به شش مطالعه موردی از نسل‌های غیر مرتبط در آفریقا و آمریکا، نویسنده به یک تیپولوژی دیانزیک از پسوندهای اسم می‌رسد که یافته‌های جوزف گرینبرگ را تأیید و گسترش می‌دهد. یکی از ادعاها این است که پسوندهای اسم ممکن است به طور مستقیم از نشان‌گرهای جنسیتی ناشی شوند و این موضوع در اندازه پارادایم آن‌ها منعکس می‌شود. هم‌چنین شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد پسوندهای اسم قدیمی ممکن است برای ایجاد اشکال کلامی حداقلی دوباره مورد استفاده قرار گیرند. هدف اصلی این مطالعه بررسی فرآیندهای گرماسیون<sup>۱</sup> از طریق توسعه پسوندهای اسم است و این نکته را مطرح می‌کند که آیا کاهش معنایی قبل از کاهش شکلی کامل می‌شود یا خیر. نتایج نشان می‌دهند که مورف‌های خالی ممکن است از طریق گرماسیون به وجود آیند، که با رویکردهایی که فرم و عملکرد به طور موازی کاهش می‌یابند، در تضاد است. هم‌چنین زینگلر به بررسی ساختارهای پیچیده سازه‌های اسمی می‌پردازد و بر نقش روابط وابستگی میان اجزا تأکید می‌کند. آن‌ها استدلال می‌کنند که سازه‌های اسمی صرفاً مجموعه‌ای از کلمات نیستند، بلکه واحدهای نحوی پیچیده‌ای هستند که در آن‌ها اصلاح‌کننده‌ها، تعیین‌کننده‌ها و اسم‌های اصلی به طور معناداری با یکدیگر تعامل دارند. نویسندگان به تحلیل زبان‌های مختلف می‌پردازند تا نشان دهند این وابستگی‌ها چگونه به طور متفاوتی در زمینه‌های زبانی مختلف ظاهر می‌شوند و بینش‌هایی را در مورد سازماندهی سلسله‌مراتبی سازه‌های اسمی ارائه می‌دهند. یافته‌های آن‌ها اهمیت درک این ساختارها را برای فهم جامع روابط نحوی و طبقه‌بندی زبان‌ها برجسته می‌کند.

<sup>۱</sup> گرماسیون به فرآیند شکل‌گیری و تغییرات ساختاری کلمات (مورف‌ها) در زبان اشاره دارد که به منظور بیان معانی مختلف و ویژگی‌های نحوی انجام می‌شود.

## ۱-۴-۲- پیشینه مطالعات گروه اسمی

تراسک (Trask, 1991: 87) معتقد است که ترکیب گروه اسمی برای نخستین بار، توسط هریس در سال ۱۹۵۱ به کار برده شد. وی آن را تکرارپذیرترین گروه جمله می‌داند که می‌تواند نقش‌های زیادی را ایفا کند. ناتل خانلری اسم را واژه‌هایی می‌داند که به فرد، حیوان، شیء یا مکانی اشاره می‌کند. این تعریف، حسی است و بر اساس مختصات معنایی ارائه شده است (گلفام، ۱۳۹۱: ۳۱). از نظر (مشکوةالدینی، ۱۳۸۶: ۱۶۵-۱۶۳)، آن واحد نحوی که از یک یا چند واژه تشکیل می‌شود و واژه اصلی یا هسته آن، اسم است، «گروه اسمی» گفته می‌شود؛ پس یک اسم به عنوان واژه اصلی یا هسته به کار می‌رود. گروه اسمی، ممکن است فقط شامل هسته باشد و به صورت یک اسم ظاهر شود. واژه یا گروه‌هایی که با هسته به کار می‌روند، «وابسته» نامیده می‌شوند (ماهوتیان، ۱۳۹۰: ۶۹). نیز بیان می‌کند که گروه اسمی، عنصری است که در نقش‌های مختلفی نظیر: فاعل، مفعول، مفعول غیر مستقیم و مفعول حرف اضافه‌ای در جمله به کار می‌رود. گروه اسمی هم ممکن است اسم ساده، ضمیر، اسم مرکب، اسم وابسته‌دار یا بند اسمی باشد. (ارژنگ، ۱۳۸۱: ۱۰)

در کتاب دستور زبان خود معتقد است که اسم و گروه اسمی، کلمه‌ای یا گروهی از کلمات است که نقش‌هایی از قبیل: نهاد، مفعول، مسند، تمیز و متمم فعل را می‌پذیرد، منادا می‌شود یا «ی» نکره می‌گیرد. گروه اسمی از یک کلمه به نام هسته و یک یا چند وابسته ساخته می‌شود. هسته گروه اسمی، اسم است (جز به ندرت که ضمیر شخصی «من» و «تو» نیز هسته می‌شوند)؛ ولی وابسته‌های هسته می‌توانند اسم، ضمیر یا صفت باشند. به نظر باطنی (۱۳۸۹: ۱۳۷ و ۱۳۸) هم گروه اسمی در زبان فارسی از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده است و در ساختمان واحد بالاتری، یعنی بند، جایگاه مسندالیه، متمم و گاهی نیز ادا را اشغال می‌کند. هر گروه اسمی از یک هسته و تعدادی وابسته که در دو طرف هسته قرار می‌گیرند، ساخته می‌شود. وابسته‌هایی را که قبل از هسته قرار می‌گیرند، وابسته‌های پیشرو و آن‌هایی را که پس از هسته قرار می‌گیرند، وابسته‌های پیرو می‌نامند. در گروه اسمی، وجود هسته اجباری است؛ ولی وجود وابسته‌های پیشرو و پیرو اختیاری است. به اعتقاد مدرسی نیز اسم‌ها بزرگ‌ترین گروه کلمات را تشکیل می‌دهند که برای تشخیص آن‌ها هم نشانه‌های صوری و هم معیارهای نحوی وجود دارد. (مدرسی، ۱۳۸۶: ۱۳) (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۸۶: ۱۳۳ و ۱۳۴) نیز معتقدند که گروه اسمی به زنجیره‌ای از یک اسم به عنوان هسته و یک یا چند وابسته گفته می‌شود که وجود هسته برای گروه اسمی، اجباری و وجود وابسته، اختیاری است. وابسته‌ها دو دسته هستند: وابسته‌های پیشین که عبارتند از: «صفت اشاره»، «صفت پرسشی»، «صفت تعجبی»، «صفت شمارشی اصلی»، «صفت شمارشی ترتیبی»، «صفت مبهم» و «صفت برترین (عالی)» و وابسته‌های پسین که عبارتند از: «ی» نشانه نکره، «صفت شمارشی ترتیبی» که با پسوند «-م» همراهند، «مضاف‌الیه» و «صفت بیانی». تالرمن (Tallerman, 2005) به بررسی حروف تعریف همراه با گروه اسمی پرداخته و بیان نموده است که بعضی از حروف تعریف، فقط با یک سری اسامی خاص می‌آیند. به نظر ایشان، در زبان انگلیسی، حروف تعریف در ابتدای گروه اسمی قرار می‌گیرند. ردفورد (Radford, 1988) و هگمن (Haegeman, 1994) به بررسی گروه‌های اسمی مطابق با نظریه نحو ایکس - تیر پرداخته و وابسته‌های گروه اسمی را توضیح داده‌اند؛ در این بین، هگمن به نقش ادات‌ها توجهی نکرده است. آن‌ها برای همه گروه‌های اسمی، سه سطح قائل هستند. ردفورد (۱۹۸۸) و هگمن (۱۹۹۴) به بررسی گروه‌های اسمی مطابق با نظریه نحو ایکس - تیر پرداخته و وابسته‌های گروه اسمی را توضیح داده‌اند؛ در این بین، هگمن به نقش ادات‌ها توجهی نکرده است. کوک و نیوسن (Cook and Newson, 2011) نیز به بررسی ساختار گروه‌های سازنده جمله و تشریح و تعدیل در گروه اسمی که در سال‌های اخیر توسط ابنی (۱۹۸۷: ۵۰-۳۸) انجام گرفته است، پرداخته‌اند. پژوهش‌گران دیگری از جمله باطنی (۱۳۸۹: ۱۳۷)، ابوالقاسمی (۱۳۸۸: ۵۰)، ماهوتیان (۱۳۹۰: ۶۹)، ناتل خانلری (۱۳۸۶)، مشکوةالدینی (۱۳۸۶: ۱۶۳-۱۶۵ و ۱۳۸۷: ۱۴۸)، انوری و احمدی گیوی (۱۳۸۷: ۱۳۳) و افراشی (۱۳۸۶) در مورد اسم و گروه اسمی مطالعه کرده‌اند. هیچ پژوهشی درباره مقایسه گروه اسمی در دو زبان فارسی و ایتالیایی صورت نگرفته است. با بررسی مطالعات پیشین و در نظر گرفتن کاستی‌های موجود در تحقیقات قبلی، این تحقیق به شناسایی الگوهای ساختاری مشابه و متفاوت در گروه‌های اسمی زبان‌های فارسی و ایتالیایی می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گروه اسمی در زبان‌های فارسی و ایتالیایی دارای شباهت‌های قابل توجهی است که می‌تواند به تسهیل یادگیری زبان ایتالیایی برای فارسی‌زبانان کمک کند. این یافته‌ها همچنین به درک عمیق‌تر ساختارهای زبانی و روابط نحوی میان این دو زبان می‌انجامد و می‌تواند به توسعه روش‌های آموزشی مؤثرتر در یادگیری زبان‌های خارجی کمک نماید.

## ۱-۵- روش تحقیق

این پژوهش از روش تحلیلی توصیفی استفاده می‌کند و به بررسی مقایسه‌ای گروه اسمی در زبان‌های فارسی و ایتالیایی می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی و تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری گروه‌های اسمی در این دو زبان است. بدین منظور، داده‌ها از طریق تحلیل ساختاری و بررسی مؤلفه‌های رده‌شناسی استخراج شده و به مقایسه و تحلیل می‌رسند. برای انجام این پژوهش، ابتدا به جمع‌آوری نمونه‌های متنی از هر دو زبان پرداخته می‌شود. این نمونه‌ها شامل جملات و عبارات مختلفی هستند که به وضوح گروه‌های اسمی را نمایش می‌دهند. سپس، با استفاده از تکنیک‌های تحلیلی، ویژگی‌های نحوی و معنایی گروه‌های اسمی در هر دو زبان مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، پژوهش به بررسی تأثیرات فرهنگی و زبانی بر ساختار گروه‌های اسمی نیز می‌پردازد. این بررسی می‌تواند به درک عمیق‌تری از چگونگی شکل‌گیری و تحول گروه‌های اسمی در زبان‌های مختلف کمک کند. در نهایت، نتایج این تحقیق می‌تواند به توسعه نظریه‌های زبانی و همچنین بهبود روش‌های آموزش زبان‌های خارجی کمک نماید.

## ۱-۶- اهداف و ضرورت تحقیق

### الف) ضرورت تحقیق

این تحقیق به دلیل اهمیت درک ساختارهای زبانی و تأثیر آن‌ها بر یادگیری زبان، به ویژه در مراحل ابتدایی یادگیری زبان‌های خارجی، ضروری است. در دنیای امروز که ارتباطات بین‌المللی و یادگیری زبان‌های خارجی روز به روز در حال افزایش است، شناخت دقیق ساختارهای زبانی می‌تواند به بهبود فرآیند یادگیری زبان‌آموزان کمک کند. نتایج این پژوهش می‌تواند به معلمان و زبان‌آموزان کمک کند تا با شناخت بهتر ساختارهای زبانی، فرآیند یادگیری را تسهیل نمایند و درک عمیق‌تری از روابط نحوی میان اجزا فراهم آورند. همچنین، این تحقیق می‌تواند به توسعه روش‌های آموزشی مؤثرتر و بهبود کیفیت تدریس زبان‌های خارجی کمک کند.

### ب) اهداف تحقیق

الف) توصیف ساختار گروه اسمی در زبان‌های فارسی و ایتالیایی: تحلیل دقیق و توصیفی از ساختارهای گروه‌های اسمی در هر دو زبان به منظور شناسایی ویژگی‌های منحصر به فرد و عمومی آن‌ها.

ب) شناسایی و مقایسه تفاوت‌ها و شباهت‌ها: بررسی و تحلیل توالی وابسته‌ها و هسته در گروه‌های اسمی به منظور شناسایی تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری میان زبان‌های فارسی و ایتالیایی.

ج) تسهیل یادگیری زبان ایتالیایی برای فارسی‌زبانان: ارائه راهکارهایی برای تسهیل یادگیری زبان ایتالیایی برای فارسی‌زبانان از طریق درک بهتر ساختارهای زبانی و روابط نحوی.

د) توسعه منابع آموزشی: ایجاد منابع آموزشی مبتنی بر نتایج تحقیق که به معلمان و زبان‌آموزان کمک کند تا با استفاده از ساختارهای زبانی به یادگیری مؤثرتر دست یابند. این اهداف به‌طورکلی به دنبال ارتقاء دانش زبانی و بهبود فرآیند یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان دوم/خارجی هستند و می‌توانند به عنوان مبنایی برای تحقیقات آینده در این حوزه عمل کنند.

## ۲- چارچوب نظری

رده‌شناسی زبان (language typology) علمی است که به مطالعه نظام‌مند تنوع بین زبان‌ها می‌پردازد (کامری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۲۵؛ نقل شده در دبیر مقدم، ۱۳۹۲: ۲). وی بلافاصله افزوده است "این تعریف این پیش‌انگاره را در خود دارد که برخی اصول کلی بر تنوع میان زبان‌ها حاکم‌اند، و من نیز به چنین پیش‌انگاره‌ای قائلم (کامری، ۲۰۰۱: ۲۱؛ نقل شده در همان منبع: ۴). سابقه رده‌شناسی به زیست‌شناسی و روان‌شناسی باز می‌گردد و در زبان‌شناسی با عناوین "رده‌شناسی زبان"، "رده‌شناسی زبان‌شناختی"، و به اختصار "رده‌شناسی" مصطلح است (دبیر مقدم، ۱۳۹۲: ۱). رده‌شناسی زبان، حوزه‌های مختلف زبانی مانند حوزه ساخت‌وازی، واج‌شناختی و نحوی را در بر می‌گیرد. رده‌شناسی واج‌شناختی از مکتب زبان‌شناسی پراگ برخاسته است. رده‌شناسی نحوی نیز حاصل اندیشه الهام گرفته از مکتب پراگ است که گرینبرگ (Greenberg) آن را در اوایل نیمه دوم قرن بیستم مطرح کرد. در دهه‌های اخیر، ویژگی‌های نحوی زبان مانند نظام روابط دستوری، پایه رده‌شناسی زبان را شکل داد. البرزی (۲۰۰۳) به طور کلی، در رده‌شناسی امروز، مقایسه بین‌زبانی ساختارهای خاص برای دستیابی به تعمیم‌های زبانی مورد توجه است (دبیر مقدم، ۱۳۹۲: ۱) و نتایج حاصل از این حوزه از مطالعات زبان در موضوعات بسیار متنوعی از جمله "مطالعات ترجمه در زبان‌شناسی"، "زبان‌شناسی آموزشی"، "زبان‌شناسی رایانشی"، و "مطالعات تطبیقی" در کانون توجه زبان‌شناسان قرار گرفته است (کافارل (Caffarel) و دیگران، ۲۰۰۴: ۴ و ۵). ترتیب واژه‌ها از عوامل رده‌شناختی مؤثر در تنوع زبان‌هاست، که هم در سطح بند (برای مثال ترتیب قرار گرفتن فاعل، فعل و مفعول) و هم در سطح یک گروه نحوی (مثلاً گروه اسمی یا گروه حرف اضافه‌ای) وجود دارد. گرینبرگ (۱۹۶۳) از چهره‌های مطرح در این حوزه، بر پایه داده‌های زبانی خود از ۳۰ زبان جهان، ۴۵ همگانی تلویحی را به دست داد که از میان آن‌ها، ۲۸ مورد با "ترتیب واژه" ارتباط داشت (دبیر مقدم، ۱۳۹۲: ۲۳). در زمینه ترتیب واژه‌ها می‌توان دو نوع بررسی انجام داد: بررسی ترتیب قرار گرفتن عناصر در کنار هم و ارزیابی نحوه مطابقت ترتیب واژه با همگانی‌های زبانی. زبان‌شناسان، زبان‌ها را بر اساس ترتیب قرار گرفتن عناصر فاعل، فعل و مفعول با سه دسته تقسیم کرده‌اند: دسته اول، زبان‌های فعل پایانی‌اند که خود سه دسته‌اند: OSV, SOV و زبان‌هایی که ترتیب فاعل و مفعول آزاد دارند. زبان‌های SOV در جهان گستردگی بیشتری دارند (درایر، ۲۰۰۷: ۶۱). دسته دوم، زبان‌های فعل آغازی هستند که دو نوع‌اند VSO و VOS. دسته سوم، زبان‌هایی هستند که در آنها فعل بین فاعل و مفعول قرار می‌گیرد. در این زبان‌ها فاعل پیش از فعل و مفعول پس از آن قرار می‌گیرد. در حقیقت، (ونه‌من<sup>۳</sup>، ۱۹۷۴: ۲۵-۵) ترتیب واژه گرینبرگ را به دو شق زبان‌های وابسته - هسته (the dependent-head) در مقابل هسته - وابسته (the head-dependent) تقسیم‌بندی کرده است که پس از مدتی و با توجه به انتقاداتی که به نظریه هسته - وابسته وارد شد، (درایر، ۱۹۹۲: ۸۹) نظریه سوی انشعاب را جایگزین نظریه هسته - وابسته می‌کند. بر اساس این نظریه، سازه‌های همبسته با فعل مقوله‌های غیرگروهی یعنی غیرانشعابی یا واژگانی و سازه‌های همبسته با مفعول، مقوله‌های گروهی یا انشعابی هستند. به عبارت دیگر، جفت X و Y در زبان‌های رده VO به طور قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با زبان‌های رده OV ترتیب XY را خواهد داشت، چنان چه X مقوله غیرگروهی و Y مقوله گروهی باشد (همان: ۱۰۹). برای مثال، از آنجایی که در زبان‌های دارای ترتیب OV تمایل به استفاده از پس‌اضافه است و زبان‌های دارای ترتیب VO تمایل به استفاده از پیش‌اضافه دیده می‌شود، بنابراین می‌توان گفت که جفت <حرف اضافه و گروه اسمی > جفت هم‌بستگی است و در این جفت، حروف اضافه هم‌الگو با فعل (Verb patterner) و گروه‌های اسمی همراه آن حروف اضافه، هم‌الگو با مفعول (Object patterner) هستند (همان: ۸۲). بدین ترتیب، درایر ۲۳ جفت همبستگی (Correlations pairs) به دست می‌دهد و برای هر مورد یک جدول مستقل ارائه می‌کند. از میان مؤلفه‌های مذکور، دبیر مقدم ۲۴ مؤلفه را برای تعیین وضعیت رده‌شناختی زبان فارسی به کار می‌گیرد. نگارندگان این پژوهش از بین ۲۴ مؤلفه دبیر مقدم، ۱۱ مؤلفه مرتبط با گروه اسمی را برای بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های رده‌شناختی این گروه نحوی در زبان فارسی و ایتالیایی در نظر

<sup>2</sup> Comrie

<sup>3</sup> Vennemann

گرفته‌اند. این مؤلفه‌ها عبارتند از: (۱) توالی حرف اضافه و اسم؛ (۲) توالی هسته اسمی و بند موصولی؛ (۳) توالی مضاف و مضاف الیه؛ (۴) توالی صفت و مبنای مقایسه؛ (۵) توالی موصوف و صفت؛ (۶) توالی صفت اشاره و اسم؛ (۷) توالی حرف تعریف و اسم؛ (۸) توالی عدد و اسم؛ (۹) توالی وند ملکی و اسم؛ (۱۰) توالی متمم‌نما و جمله متمم؛ (۱۱) حرکت پرشش‌واژه؛

## ۲-۱- تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر که بر روش تحلیلی توصیفی استوار است، گروه اسمی را در دو زبان فارسی و ایتالیایی بر مبنای مطالعات رده شناختی (با توجه به پارامتر هسته) بررسی کرده و تلاش می‌شود از مؤلفه‌های رده شناختی گریز برای دسته‌بندی و مقایسه آن‌ها بهره‌گیری شود. معیارهای صوری زبان-شناختی در دو گستره ساخت‌واژه و نحو، واکاوی شده‌اند.

### ۱) نوع حرف اضافه (پیش‌اضافه یا پس‌اضافه؟) (مؤلفه ۱، دبیرمقدم: ۱۳۹۲)

حروف اضافه در زبان فارسی بیشتر به صورت پیش‌اضافه هستند و تنها پس‌اضافه در زبان فارسی "را" است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۴):

۱. مینا کتاب را { به مریم } { در خانه } داد.

زبان ایتالیایی یک زبان پیش‌اضافه‌ای است. باین‌وجود، باید در نظر داشت که به دلیل وجود حرف تعریف (a) در ایتالیایی، حروف اضافه در این زبان به نوعی صرفی هستند (ai):

1- Se spara anche **ai** cani che abbaiano..

۲. اگر به سگ‌هایی هم که پارس می‌کنند، شلیک کند.

All' inizio stavo a Buenos Aires, davo lezioni di latino **ai** figli degli emigrati ricchi.

در آغاز در بوئنوس آیرس بودم، به بچه‌های مهاجرین ثروتمند لاتین درس می‌دادم.

### ۲) توالی هسته اسمی و بند موصولی (مؤلفه ۲، دبیرمقدم: ۱۳۹۲)

برای تعیین این مؤلفه معمولاً از جمله‌های مرکب داری دو بند اسمی پایه و پیرو استفاده می‌شود. به اعتقاد دبیرمقدم در زبان فارسی هسته اسمی در جملات مرکب پیش از بند موصولی ظاهر می‌شوند (همان):

۳. مردی که {دیروز با شما صحبت می‌کرد}

در زبان ایتالیایی هسته اسمی پیش از بند موصولی می‌آید:

4-C'era una volta un tamburino **che tornava dalla guerra**.

روزی یک طبل کوچک بود که از جنگ باز می‌گشت.

5-Quest'e` un' invenzione **che non c'e` in natura**.

این اختراعی است که در طبیعت وجود ندارد.

## (۳) توالی مضاف و مضاف‌الیه (مؤلفه ۳، دبیرمقدم: ۱۳۹۲)

در زبان فارسی به طور معمول، مضاف پیش از مضاف‌الیه می‌آید و پس از کلمه اول (-) استفاده می‌شود و در صورتی که کلمه اول مختوم به واکه باشد، از (ی) استفاده می‌شود و گاهی نیز یک مضاف می‌تواند چند مضاف‌الیه داشته باشد:

۶. کیف احمد: کیف (مضاف) و احمد (مضاف‌الیه)

۷. خانه‌ی خدا: خانه (مضاف) و خدا (مضاف‌الیه)

۸. ورودی کاخ گلستان

دبیرمقدم نیز (همان) معتقد است که در زبان فارسی، ترتیب واژگانی ساخت اضافی به صورت مضاف + مضاف‌الیه است:

۹. پدر مینا

در زبان ایتالیایی مضاف پیش از مضاف‌الیه واقع می‌شود و رابطه مضاف و مضاف‌الیه با یک نقش نمای واژگانی di نشان داده می‌شود:

10- Sulla punta del naso. روی نوک بینی.

11-Li` nella casa del contadino un c'erano che questi tre ragazzi آن‌جا در خانه کشاورز کسی جز آن سه پسر نبود.

## (۴) توالی صفت و مبنای مقایسه (مؤلفه ۴، دبیرمقدم: ۱۳۹۲)

در زبان فارسی مبنای مقایسه هم می‌تواند پیش از صفت قرار گیرد و هم پس از آن: (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۲۴)

۱۲. بزرگ‌تر [از مینا]

۱۳. [از مینا] بزرگ‌تر

در زبان ایتالیایی صفت پیش از مبنای مقایسه می‌آید:

14-Il tamburino e' piu' contento ... طبل کوچک خوشحال تر است...

15-Roberto Benigni e` piu` conosciuto di Raul Bova. روبرتو بنینی از رائل بوا معروف تر است.

## (۵) توالی صفت و موصوف (مؤلفه ۹، دبیرمقدم: ۱۳۹۲)

صفت کلمه‌ای است غیر از اسم، که همراه اسم یا گروه اسمی می‌آید و معنی آن را مقید می‌کند و توضیحی درباره آن می‌دهد (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۵۲). انوری و احمدی گیوی نیز صفات را به لحاظ مفهوم، مقدم یا مؤخر بودن و ساخت به انواعی تقسیم نموده و در طبقه‌بندی مفهومی هم چون مطالعات



فوق انواع بیانی، اشاره‌ای، شمارشی، پرسشی، تعجبی و مبهم برای صفت برمی‌شمارند. آن‌ها صفات بیانی (که خود بیان‌گر حالت و چگونگی اسم است) را پنج‌گونه می‌دانند که عبارت‌اند از صفت ساده، صفت فاعلی، صفت مفعولی، صفت نسبی و صفت لیاقت.

(ر.ک. انوری و احمدی گیوی ۱۳۸۵: ۱۳۸/۲)

در تحلیل توالی موصوف و صفت معمولاً صفات بیانی مد نظر است و در زبان فارسی این صفت همواره پس از موصوف واقع می‌شود.

۱۶. زنِ مهربان

صفات بیانی گاهی قبل و گاهی بعد از اسم دیده می‌شوند. به عبارت دیگر، از نظر توالی صفت و موصوف در زبان ایتالیایی تنوع وجود دارد:

الف) صفت قبل از اسم:

17-Una corda assai lunga.

یک طناب بسیار بلند.

صفت در زبان ایتالیایی \_ بر خلاف زبان فارسی \_ دارای جنسیت و تعداد است و از این نظر با اسم (موصوف) خود مطابقت می‌کند (شرکا، ۱۳۹۲: ۶۶). در حالی که، صفت در زبان فارسی هیچگاه جمع بسته نمی‌شود و زمانی که جمع بسته می‌شود، نقش اسمی پیدا می‌کند:

زنِ دانا زنانِ دانا دانایان آمدند.

18-I poveri ragazzi innocenti

پسرهای بیچاره بی‌گناه

ب) رنگ‌ها بعد از اسم می‌آیند.

19-Il grosso gatto bianco e nero ...

گربه بزرگ سفید و سیاه

ج) صفات نسبی نیز بعد از اسم می‌آیند.

20- I film iraniani sono delle opera interessanti.

فیلم‌های ایرانی، آثار جالبی هستند.

د) صفات چند سیلابی اکثراً بعد از موصوف جای دارند.

21-Era un caso pericoloso.

یک مورد خطرناک بود.

غیر از این موارد، صفات بیانی که گاهی قبل و گاهی بعد از اسم دیده می‌شوند، با جابه‌جایی خود بار معنایی متفاوتی پیدا می‌کنند. در ادامه، به مواردی از این جابجایی‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. وقتی صفت بیانی قبل از اسم قرار بگیرد، بار معنایی ذهنی و شخصی به آن می‌دهد؛ در حالیکه صفت بیانی بعد از اسم، بار معنایی عینی و واقعی دارد.

22- Ho preso un **importante** decisione.

23-Ho preso una decisione **importante**.

تصمیم مهمی گرفته ام.

این دو جمله هم معنی هستند اما در جمله اول گوینده یا نویسنده روی اهمیت تصمیم از نظر خودش تاکید می‌کند، در حالیکه در جمله دوم، پای تصمیم مهمی در میان است که واقعا اهمیت دارد. در زبان فارسی این تمایز را تنها با لحن تاکید و گذاشتن نکته تاکید در جایی که می‌خواهیم روی اهمیت تصمیم از نقطه نظر شخصی تاکید کنیم، نشان داده می‌شود.

۲. گاهی صفت بیانی قبل از اسم بار معنایی توصیفی و کلی ایجاد می‌کند اما صفت بیانی بعد از اسم، بار معنایی محدودکننده و خاص به اسم خود می‌دهد.

24-Il terremoto distrusse le **vecchie case**.

25-Il terremoto distrusse le **case vecchie**.

زلزله خانه‌های قدیمی را ویران کرد.

این دو جمله نیز هم معنی هستند؛ اما منظور در جمله اول، تنها توصیف خانه‌های ویران شده است؛ در حالی که در جمله دوم با صفت «قدیمی» خانه‌های ویران شده را محدود کرده‌ایم. در این مورد، امکانی که زبان فارسی برای ایجاد تمایز در اختیارمان می‌گذارد، این است که صفت «قدیمی» را در جمله دوم با صدای بلندتر و با تاکید بیشتر بیان کنیم: خانه‌های قدیمی (و نه جدید را).

۳. گاهی صفت بیانی قبل از اسم، معنایی مجازی پیدا می‌کند؛ در حالیکه صفت بیانی بعد از اسم، معنایی فیزیکی و واقعی دارد.

26-Un **vecchio amico**

یک دوست قدیمی

27- Un **amico vecchio**

یک دوست پیر

۴. گاهی صفت بیانی نقش خبر یا گزاره را در جمله ربطی اسمیه بازی می‌کند و در این صورت بعد از اسم و معمولاً بعد از فعل (بودن، تبدیل شدن و گردیدن) قرار می‌گیرد.

28- La **bambina e intelligente**.

(آن) دختر باهوش است.

به طور کلی، جایگاه صفت بیانی در زبان ایتالیایی را می‌توان در جمله جدول زیر خلاصه کرد. (شرکا، ۱۳۹۲: ۷۲)

جایگاه صفت بیانی	ارزش معنایی
بعد از اسم	عینی محدود کننده خبری واقعی و فیزیکی
قبل از اسم	ذهنی توصیفی مجازی

### ۶) توالی صفت اشاره و اسم (مؤلفه ۱۰، دبیرمقدم: ۱۳۹۲)

صفات اشاره قبل از اسم به منظور اشاره به آن به کار می‌روند. دو واژه "این" و "آن" صفات اشاره در زبان فارسی هستند که گاهی با کلمات دیگری ترکیب شده و صفت اشاره مرکب می‌سازند مانند: "همین، همان، چنین و چنان". امکان قرارگرفتن وابسته دیگری پیش از آن‌ها وجود ندارد (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۲: ۷۰)، جزو وابسته‌های پیشین اسم محسوب می‌شود و در واقع دورترین وابسته به هسته گروه اسمی اند. در زبان فارسی این صفت‌ها جمع بسته نمی‌شوند. زمانی می‌توان آن‌ها را جمع بست که جانشین اسم شده باشند. همان‌طور که اشاره شد جایگاه صفت اشاره در زبان فارسی پیش از اسم می‌باشد: آن زن

در زبان ایتالیایی نیز صفت اشاره پیش از اسم می‌آید، جمع بسته نمی‌شوند و زمانی می‌توان آن‌ها را جمع بست که جانشین اسم شده باشند:

29- **Quel ragazzo finirà in galera!** عاقبت آن پسر راهی زندان خواهد شد.

30- **Questa ragazzaccia me le voleva portar via...** این دخترک آن‌ها را می‌خواست از من بگیرد ...

### ۷) توالی حرف تعریف و اسم (مؤلفه ۱۵، دبیرمقدم: ۱۳۹۲)

معمول‌ترین کاربرد حروف تعریف در زبان فارسی حروف تعریف معرفه و نکره برای انتقال مفهوم معرفه یا نکره بودن است. دبیر مقدم (۱۳۹۲: ۷۰) برای ترتیب توالی حرف تعریف دو شاهد ارائه می‌کند: یکی حرف تعریف نکره ساز "ی" دیگری حرف تعریف معرفه از "کسره" و جایگاه این دو حرف تعریف در زبان فارسی را پس از اسم می‌داند:

کتابی: "ی" حرف تعریف نکره ساز

- کتاب: "کسره" حرف تعریف معرفه

در زبان ایتالیایی حرف تعریف (چه معرفه چه نکره) قبل از اسم می‌آید.

31- **La casa è tutta illuminata** خانه تماماً روشن است.

32- **Una coperta da letto di lana.** یک پتوی پشمی

33- **Mi sono messo a ridere come un matto.** مثل یک دیوانه زدم زیر خند.

### ۸) توالی عدد و اسم (مؤلفه ۱۷، دبیرمقدم: ۱۳۹۲)

اعداد از نظر نحوی اغلب مانند صفات رفتار می‌کنند و صفت شمارشی نیز نامیده می‌شوند. عدد غالباً با اسم می‌آید و تعداد یا ترتیب آن را بیان می‌کند. به عبارت دیگر، از آن جایی که صفت بیان‌گر چگونگی یکی از خصوصیات اسم است، عدد را نیز در طبقه صفت قرار داده‌اند. لازم به ذکر است که صفات شمارشی خود به چهار نوع تقسیم می‌شوند: "اصلی، ترتیبی، کسری و توزیعی" که در این میان صفات شمارشی اصلی همان اعداد اصلی هستند که بدون پیشوند و پسوند به کار می‌روند و تعداد اسم و معدود خود را بیان می‌کنند (احمدی گیوی، انوری، ۱۳۸۷: ۱۶۶).

در بررسی توالی عدد و اسم، عدد همیشه پیش از اسم ظاهر می‌شود:

## ۲۹- دو کتاب

در زبان ایتالیایی عدد پیش از اسم می‌آید. البته در این زبان، عدد و اسم باید از لحاظ شمار تطابق داشته باشند. یعنی وقتی عدد بیشتر از یک باشد، اسم جمع بسته می‌شود.

از آن جا که امروز صبح شش روز تعلیق تمام شد... 34-Stamattina essendo terminati **sei giorni** di sospensione...

## ۹) توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی (مؤلفه ۱۹، دبیرمقدم: ۱۳۹۲)

برای دانستن توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی در فارسی باید بدانیم که «مالکیت را به سه صورت در زبان فارسی بیان می‌کنند. اولین راه، استفاده از ساخت اضافه است. دومین شیوه بیان مالکیت، با واژه‌بست است. در این روش، واژه‌بست به مایملک متصل می‌شود. در سومین شیوه، از عبارت مال استفاده می‌شود» (ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۱۱۰). به‌عنوان یک نکته کلیدی، واژه‌بست‌ها صورت‌های وابسته‌ای هستند که از بسیاری جهات صورت بینابینی واژه‌های کامل و وندها را دارند. واژه‌بست‌ها در زبان فارسی طبقات دستوری مختلفی مانند: ضمائر متصل، اضافه‌های اسمی، اضافه‌های صفتی و غیره را تشکیل می‌دهند که می‌توانند به واژه‌های میزبان متفاوتی اضافه شوند. این واژه‌بست‌ها را به دو دسته، واژه‌بست‌های ساده و ویژه تقسیم می‌کنند. واژه‌بست‌های ساده هم صورت واژگانی کاملی دارند و هم صورت واژه‌بستی دارند که باید از نظر واجی به میزبان متصل شوند، مانند «را» در زبان فارسی که هم به صورت مستقل و هم به شکل واژه‌بستی آن به صورت *r* به کار می‌رود. برخلاف واژه‌بست‌های ساده، واژه‌بست‌های ویژه دارای صورت‌های واژگانی کاملی نیستند و فقط به صورت وابسته به واژه‌های میزبان اضافه می‌شوند، مانند پی‌بست‌های ضمیری (م، ت، ش، مان، تان، شان) در زبان فارسی (راسخ مهند، ۱۳۸۸: ۱۵). بر مبنای مثال‌های ارائه شده از سوی دبیرمقدم، واژه‌بست ملکی در زبان فارسی پس از اسم ظاهر می‌شود. این توضیحات نشان‌دهنده تنوع و پیچیدگی ساختارهای نحوی در زبان فارسی است که در درک بهتر مفهوم مالکیت و نحوه بیان آن کمک می‌کند.

## ۳۵- کتابم

## ۳۶- کتاب خواندنی‌ام

در زبان ایتالیایی تکواژ ملکی پیش از اسم می‌آید:

37- Forse anche tu hai la **mia malattia**.

شاید تو هم بیماری مرا را داری.

38- Hai abbandonato il **tuo babbo**, la tua mamma, le **tue sorelle**.

بابا، مامان، خواهرهایت را ترک کردی.

## ۱۰) توالی متمم‌نما و جمله متمم (مؤلفه ۲۱، دبیرمقدم: ۱۳۹۲)

در توصیف بندهای وابسته در زبان فارسی، می‌توان گفت که "منظور بندهای وابسته فعل جمله پایه است که نقش نحوی فاعل، مفعول و دیگر نقش‌های نحوی را به عهده دارند" (احدی، ۲۰۰۸: ۱۹۸). در بیشتر موارد، وابسته بودن بندهای پیرو را می‌توان به کلمات ربط وابسته‌نما نشان داد. یکی از این کلمات ادات ربط «که» است و غالباً به صورت «بند اصلی + متمم نما + بند پیرو» به کار می‌رود. به طور کلی، در زبان فارسی، متمم نما پیش از جمله متمم واقع می‌شود:

۳۹- من می‌دانم {که او درس خوان است}

۴۰- شنیده‌ای که چه اتفاقی افتاده است؟

در زبان ایتالیایی، متمم‌نما قبل از بند متمم می‌آید.

41- sono cose che possono capire i ragazzi, queste .

{چیزهایی هستند که بچه‌ها بتوانند بفهمند}

(بند متمم)

### ۱۱) حرکت پرسش‌واژه (مؤلفه ۲۲، دبیرمقدم: ۱۳۹۲)

پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی عبارت‌اند از: «چند، چقدر، کی، کجا، کو، کدام، کدامین، چه (چه کسی، چه چیزی)، کی، که، چرا، آیا، چه‌سان، چه‌جور، مگر، هیچ، چطور، چندان، چندمین و چگونه». روشن است که این پرسش‌واژه‌ها از لحاظ ساختمان بر دو نوع‌اند: ساده مانند: «چند و کی» و مرکب مانند: «چه‌جور و چقدر». در طبقه‌بندی پرسش‌واژه در انواع کلمه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد (خیامپور، ۱۳۹۳: ۳۱). پرسش‌واژه را نوعی اسم می‌دانند. از نظر او اسم بر دو قسم است: صریح و کنایه و اسم کنایه به نوبه خود بر سه قسم است: ضمیر، مبهمات و اسم استفهام؛ (انوری و گیوی، ۱۳۹۱: ۱۲۰) معتقدند که اگر پرسش‌واژه‌ها همراه اسم بیابند صفت و اگر تنها و بدون همراهی اسم بیابند، ضمیر پرسشی هستند. طبقه‌بندی دیگر پرسش‌واژه‌ها بر اساس آهنگ ادای آن‌هاست (باطنی، ۱۳۷۰: ۸۴). هنگام استفاده از پرسش‌واژه‌ها، دو دسته از جملاتی پرسشی را بر اساس انتخاب آهنگ مشخص کرده است. یک دسته جملات پرسشی با سه پرسش‌واژه «آیا، مگر و هیچ» است که حتماً با آهنگ خیزان ادا می‌شوند. دسته دیگر جملاتی که انتخاب آهنگ خیزان و در آن‌ها اختیاری است. پرسش‌واژه‌ها مانند: «کجا، چرا، چگونه، کی» و غیره مشمول این افتان دسته هستند. پرسش‌واژه‌های فارسی در دوره نو در جای اصلی و ابقایی هستند و در عین حال ترتیب واژگانی آزاد دارند (دبیرمقدم و کلانتری، ۱۳۹۵: ۸۳-۵۱). دبیرمقدم (۱۳۹۲) نیز با ارائه مثال‌های (۳۵ و ۳۶) نشان می‌دهد که در جملات بی‌نشان فارسی پرسش‌واژه در جای اصلی خود می‌ماند:

۴۲- پرسید {کتابخانه کجاست؟}

۴۳- شما نامه را برای چه کسی ارسال کردید؟

۴۴- این قفل چگونه باز می‌شود؟

در زبان ایتالیایی در پرسش غیرمستقیم کلمه پرسشی بعد از فعل می‌آید. اما در پرسشی مستقیم کلمه پرسشی حتماً در اول جمله می‌آید.

45-Chi e? Chi mi vuole?

کیه؟ کی با من کار داره؟

46-Dimmi perche` hai portato la bicicletta in casa?

به من بگو چرا دوچرخه را داخل خانه آوردی؟

جدول ۱- مقایسه ویژگی‌های گروه اسمی در زبان فارسی و ایتالیایی

مؤلفه	نوع توالی	زبان فارسی	نشانه‌های صوری برای تشخیص	زبان ایتالیایی	نشانه‌های صوری برای تشخیص
۱	توالی حرف اضافه و اسم	پیشین / پسین	-	پیشین	-
۲	توالی هسته اسمی و بند موصولی	پسین	-	پسین	-
۳	توالی مضاف و مضاف الیه	پسین	-	پسین	دارد
۴	توالی صفت و مبنای مقایسه	پیشین / پسین	دارد	پیشین	دارد
۵	توالی موصوف و صفت	پسین	دارد	پیشین / پسین	دارد
۶	توالی صفت اشاره و اسم	پیشین	-	پیشین	-
۷	توالی حرف تعریف و اسم	پسین	-	پیشین	-
۸	توالی عدد و اسم	پیشین	دارد	پیشین	دارد
۹	توالی وند ملکی و اسم	تکواؤ پسین	دارد	وند پیشین	دارد
۱۰	توالی متمم نما و جمله متمم	پیشین	-	پیشین	-
۱۱	حرکت پرسش‌واژه	در جای اصلی خود	-	پرسش‌واژه در جای اصلی خود	-

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول بالا: در هر دو زبان عدد و صفت اشاره قبل از اسم به کار می‌رود. در هر دو زبان همواره مضاف الیه و بند موصولی پس از اسم قرار می‌گیرد. در زبان فارسی مبنای مقایسه هم می‌تواند پیش از صفت قرار گیرد و هم پس از آن اما در زبان ایتالیایی صفت پیش از مبنای مقایسه می‌آید. هم‌چنین در هر دو زبان صفت‌های تفضیلی به صورت ساخت واژی ساخته می‌شوند. در زبان فارسی این صفت بیانی همواره پس از موصوف واقع می‌شود در حالی که، در زبان ایتالیایی صفات بیانی گاهی قبل و گاهی بعد از اسم دیده می‌شوند. به عبارت دیگر، از نظر توالی صفت و موصوف در زبان ایتالیایی تنوع وجود دارد. به لحاظ ساخت واژی مهم‌ترین تمایز صفت در زبان فارسی و ایتالیایی وجود جنس دستوری و شمار در زبان ایتالیایی در حالی که در زبان فارسی هیچ‌گونه مطابقت دستوری بین صفت و هسته اسمی مشاهده نمی‌شود. با وجود این، صفت در هر دو زبان دارای شباهت‌هایی است، برای مثال، صفت در هر دو زبان پس از اسم واقع می‌شوند و از نظر نحوی دارای نقش‌های وصفی، اسنادی و قیدی یکسانی است. واژه بست ملکی در زبان فارسی پس از اسم ظاهر می‌شود اما در زبان ایتالیایی تکواژ ملکی پیش از اسم می‌آید. به عبارت دیگر، صفات ملکی در فارسی معادلی ندارند. یکی حرف تعریف نکره ساز "ی" دیگری حرف تعریف معرفه از "کسره" و جایگاه این دو حرف تعریف در زبان فارسی پس از اسم است:

در زبان ایتالیایی حرف تعریف (چه معرفه چه نکره) قبل از اسم می‌آید. در جملات بی‌نشان فارسی پرسش‌واژه در جای اصلی خود می‌ماند. در زبان ایتالیایی در پرسش غیرمستقیم کلمه پرسشی بعد از فعل می‌آید. اما در پرسشی مستقیم کلمه پرسشی حتما در اول جمله می‌آید. اکنون ویژگی‌های نحوی گروه اسمی در زبان فارسی را با سایر زبان‌های جهان مورد مقایسه قرار می‌دهیم:

جدول ۲- گروه اسمی در زبان فارسی معیار در مقایسه با سایر زبان‌های جهان، با اقتباس از (دبیر مقدم ۱۳۹۲: ۱۲۹)

مؤلفه	۱	۲	۳	۴	۹	۱۰	۱۵	۱۷	۱۹	۲۱	۲۲	جمع
فعل پایانی قوی		*			*	*	*	*			*	۷
فعل پایانی ضعیف	*		*						*	*		۵
فعل میانی ضعیف				*			*				*	۳
فعل میانی قوی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*		۹

اطلاعات مندرج جدول (۲-۴) نشان می‌دهد که گروه اسمی در زبان فارسی از بین ۱۱ مؤلفه بررسی شده در این پژوهش، در مقایسه با سایر زبان‌های جهان، ۹ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل میانی قوی (VO) و ۷ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل پایانی قوی (VO) را داراست بنابراین، با توجه به نتایج فوق، می‌توان نتیجه گرفت گروه اسمی در زبان فارسی در مقایسه با زبان‌های جهان، تمایل به رده‌های فعل میانی قوی دارد.

در جدول (۳) ویژگی‌های نحوی گروه اسمی در زبان ایتالیایی با سایر زبان‌های جهان مورد مقایسه قرار می‌گیرد:

جدول ۳- گروه اسمی در زبان ایتالیایی در مقایسه با سایر زبان‌های جهان

مؤلفه	۱	۲	۳	۴	۹	۱۰	۱۵	۱۷	۱۹	۲۱	۲۲	جمع
فعل پایانی قوی		*			*	*	*	*	*		*	۶
فعل پایانی ضعیف	*		*		*		*		*	*	*	۸
فعل میانی ضعیف					*						*	۲
فعل میانی قوی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	۱۱

اطلاعات مندرج جدول (۳) نشان می‌دهد که گروه اسمی در زبان ایتالیایی از بین ۱۱ مؤلفه بررسی شده در این پژوهش، در مقایسه با سایر زبان‌های جهان، ۱۱ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل میانی قوی (VO) و ۶ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل پایانی قوی (VO) را داراست بنابراین، با توجه به نتایج فوق، می‌توان نتیجه گرفت گروه اسمی در زبان ایتالیایی در مقایسه با زبان‌های جهان، تمایل به رده‌های فعل میانی قوی دارد که این تمایل زبان ایتالیایی بسیار قوی‌تر از زبان فارسی است.

## نتیجه‌گیری

بررسی مقایسه‌ای گروه اسمی در زبان‌های فارسی و ایتالیایی نشان می‌دهد که این گروه دستوری در بسیاری از جنبه‌ها به یکدیگر شباهت دارد. به طور کلی، در هر دو زبان، وابسته‌ها پس از هسته (اسم) قرار می‌گیرند، با این حال، موارد استثنایی وجود دارد که وابسته‌ها پیش از اسم قرار می‌گیرند. به جز مضاف‌الیه و بند موصولی، دیگر وابسته‌ها معمولاً پیش از اسم ظاهر می‌شوند، هرچند در شرایط خاص ممکن است برخی از آن‌ها پس از اسم نیز قرار گیرند. یکی از نکات مهم در این مقایسه، فقدان صفت‌های ملکی در زبان فارسی به شکل موجود در زبان ایتالیایی است. این تفاوت می‌تواند در فرآیند یادگیری زبان ایتالیایی برای فارسی‌زبانان تأثیرگذار باشد. درک دقیق شباهت‌ها و تفاوت‌های گروه اسمی در این دو زبان می‌تواند به یادگیری سریع‌تر و آسان‌تر زبان ایتالیایی، به‌ویژه در مراحل اولیه یادگیری، کمک کند. به بیان دیگر، می‌توان از ظرفیت موجود در حوزه رده‌شناسی زبان برای تسهیل یادگیری زبان‌ها و حتی رشته‌های دیگر که به نتایج پژوهش‌های زبانی نیاز دارند، بهره‌برداری کرد. بررسی‌های مقایسه‌ای در زبان‌شناسی، معیارهای صوری را برای تعیین تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری زبان‌ها ارائه می‌دهد و این معیارها درک مفهوم عناصر دستوری را ساده‌تر می‌سازند. از این رو، اهمیت انجام چنین پژوهش‌هایی در ارتقاء مطالعات محض مقایسه‌ای بین زبان‌ها نهفته است. این نوع تحقیقات می‌تواند زمینه‌ساز درک عمیق‌تری از ساختارهای زبانی و همچنین بهبود روش‌های آموزشی در یادگیری زبان‌های مختلف باشد. به‌ویژه، نتایج این مطالعه می‌تواند به زبان‌آموزان و معلمان کمک کند تا با شناخت بهتر ساختارهای زبانی، فرآیند یادگیری را تسهیل کنند و درک عمیق‌تری از روابط نحوی میان اجزا فراهم آورند. بررسی مقایسه‌ای گروه اسمی در زبان‌های فارسی و ایتالیایی نشان می‌دهد که این گروه دستوری در بسیاری از جنبه‌ها به یکدیگر شباهت دارد. در هر دو زبان، وابسته‌ها معمولاً پس از هسته (اسم) قرار می‌گیرند. با این حال، موارد استثنایی وجود دارد که وابسته‌ها پیش از اسم قرار می‌گیرند. برای مثال، در زبان فارسی، وابسته‌های پیشین شامل مضاف‌الیه و بندهای موصولی هستند که به‌طور طبیعی پیش از اسم قرار می‌گیرند. این وابسته‌ها به معنای خاصی اشاره دارند و نقش مهمی در ساختار معنایی جمله ایفا می‌کنند. در زبان فارسی، وابسته‌های پیشین به‌ویژه در مواردی مانند صفت‌های ملکی، نقش کلیدی دارند. به‌عنوان مثال، در عباراتی مانند "کتاب من" یا "دوست او"، وابسته‌های پیشین (من و او) به‌وضوح هویت و مالکیت را نشان می‌دهند. این نوع وابسته‌ها به‌طور مستقیم با اسم مرتبط هستند و به درک بهتر معنای جمله کمک می‌کنند. در زبان ایتالیایی، وابسته‌های پیشین نیز وجود دارند، اما ساختار و نحوه استفاده از آن‌ها متفاوت است. به‌عنوان مثال، در ایتالیایی، صفت‌های ملکی به‌طور معمول پس از اسم قرار می‌گیرند، (مانند *libro di Maria* [کتاب ماری]). این تفاوت‌های ساختاری می‌تواند بر فرآیند یادگیری زبان فارسی برای ایتالیایی‌زبانان تأثیرگذار باشد. درک دقیق شباهت‌ها و تفاوت‌های گروه اسمی در این دو زبان می‌تواند به یادگیری سریع‌تر و آسان‌تر زبان ایتالیایی، به‌ویژه در مراحل اولیه یادگیری، کمک کند. به بیان دیگر، می‌توان از ظرفیت موجود در حوزه رده‌شناسی زبان برای تسهیل یادگیری زبان‌ها و حتی رشته‌های دیگر که به نتایج پژوهش‌های زبانی نیاز دارند، بهره‌برداری کرد. بررسی‌های مقایسه‌ای در زبان‌شناسی، معیارهای صوری را برای تعیین تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری زبان‌ها ارائه می‌دهد و این معیارها درک مفهوم عناصر دستوری را ساده‌تر می‌سازند. از این رو، اهمیت انجام چنین پژوهش‌هایی در ارتقاء مطالعات محض مقایسه‌ای بین زبان‌ها نهفته است. این نوع تحقیقات می‌تواند زمینه‌ساز درک عمیق‌تری از ساختارهای زبانی و همچنین بهبود روش‌های آموزشی در یادگیری زبان‌های مختلف باشد. به‌ویژه، نتایج این مطالعه می‌تواند به زبان‌آموزان و معلمان کمک کند تا با شناخت بهتر ساختارهای زبانی، فرآیند یادگیری را تسهیل کنند و درک عمیق‌تری از روابط نحوی میان اجزا فراهم آورند. با توجه به موارد مطرح‌شده، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده، توجه بیشتری به وابسته‌های پیشین و پسین در زبان‌های مختلف معطوف شود تا درک بهتری از ساختارهای زبانی و تأثیر آن‌ها بر فرآیند یادگیری زبان‌ها حاصل گردد.



## منابع

۱. ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۸۹). دستور تاریخی مختصر زبان فارسی. تهران: سمت.
۲. ارژنگ، غلامرضا (۱۳۸۱). دستور زبان فارسی امروز. تهران: قطره.
۳. افراشی، آزیتا (۱۳۸۶). ساخت زبان فارسی. تهران: سمت.
۴. انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۶). دستور زبان فارسی ۲ (چاپ دوم). (ویرایش سوم). تهران: فاطمی.
۵. \_\_\_\_\_؛ \_\_\_\_\_؛ \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی، جلد ۲، چاپ چهارم. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی.
۶. باطنی، محمد رضا (۱۳۸۹). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
۷. ثمره، یدالله (۱۳۶۹). ویژگی رده‌شناختی زبان فارسی. مجله زبان شناسی، سال ۸، شماره ۱، صفحه ۷۱-۶۱.
۸. دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. چاپ سوم. تهران: سمت.
۹. دبیرمقدم، محمد؛ کلاتری، راحله (۱۳۹۵). بررسی ساخت اطلاع جملات پرسشی در فارسی نوبا تأکید بر متن. متن پژوهی ادبی، دوره ۲۰، شماره ۶۷، صفحه ۸۳-۵۱.
۱۰. رضایپور، ابراهیم (۱۳۹۴). ترتیب واژه در سمنانی از منظر رده‌شناسی زبان. جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۵، صفحه ۱۹۶-۱۹۰.
۱۱. رضایی، والی؛ خیرخواه، محمد (۱۳۹۴). رده‌شناسی ترتیب واژه در گویش لری بویراحمدی. فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین. شماره ۱۱.
۱۲. صفایی اصل، اسماعیل (۱۳۹۴). رده‌شناسی ترتیب واژه در زبان آذربایجانی. زبان‌شناسی تطبیقی. سال ۵، شماره ۹، ۱۸۶-۱۶۳.
۱۳. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸). دستور مختصر امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید. تهران: سخن.
۱۴. گلفام، ارسلان (۱۳۹۰). اصول دستور زبان. تهران: سمت.
۱۵. ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۹۰). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی، چاپ ششم. تهران: مرکز.
۱۶. مدرسی، فاطمه (۱۳۸۶). از واج تا جمله. تهران: چاپار.
۱۷. مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۸۶). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری. چاپ دهم، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۸. ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۶). دستور زبان فارسی. چاپ بیست و یکم. تهران: توس.
۱۹. واحدی لنگرودی، محمد مهدی (۱۳۸۱). ترتیب اصلی کلمات در جملات ساده و جفت‌های همبستگی در گویش گیلکی لنگرود. پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۱۳. صفحه ۱۷۵-۱۵۱.
۲۰. وحیدیان کامیار، تقی؛ و عمرانی، غلامرضا. (۱۳۸۲). دستور زبان فارسی (۱). تهران: سمت.
21. Alborzi Verki, P. (2002) *Morphological typology, foreign languages*, University of Tehran. 12: 3-18. [In Persian].
22. Caffarel, A., Martin, J.R. & Matthiessen, C.M.I.M. (2004). Introduction: systemic functional typology. In A.
23. Cook V.J.; Newsan M. (2011). *Chomsky's Universal Grammar, An Introduction*. Blackwell, Oxford.
24. Darzi, A. (1996). *Word order, NP movement, and opacity conditions in Persian*. Ph.D. Diss. University of Illinois at Urbana- Champaign.
25. Dryer, M. S. (1992). *The Greenbergian word order correlations*. Language 68, 81-138.

- 
26. Dryer, M. S. (2007a). "Word Order". *Language Typology and Syntactic Description*, (2nd Ed.) Volume I: Clause Structure, T. Shopen (Ed.),
27. Frommer, P. R. (1981). *Post-verbal phenomena in colloquial Persian syntax*. Unpublished doctoral dissertation. University of Southern California.
28. Greenberg, J. H. (1963). *Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements*. *Universals of language*, ed. by Joseph Greenberg, 73- 113 Cambridge, MA: MIT Press.
29. Haegeman, L. (1994). *Introduction to Government and Binding Theory*. Oxford: Blackwell.
30. Karimi, S. (1989). *Aspects of Persian syntax, specificity and the theory of grammar*. Ph.D. diss. The University of Washington.
31. Marashi, M. (1970). *The Persian verb: a partial description for pedagogical purposes*. Ph.D. diss. The University of Texas.
32. Radford, A. (1981). *Transformational Syntax*. Cambridge: Cambridge University Press.
33. Tabaian, H. (1974). *Conjunction, relativization, and complementation in Persian*. PhD dissertation. Northwestern University: Evanston
34. Tallerman, M. (2005). *Syntax Understanding*. Routledge.
35. Trask, R. L. (1991). *A Dictionary of Grammatical Terms in Linguistics*. London: Routledge.
36. Vennemann, T. (1974a). "Analogy in generative grammar: The origin of word order. *Proceedings of the Eleventh International Congress of Linguists (1972)*, 79-83, Bologna.
37. Vennemann, T. (1974b). "Theoretical word order studies: Results and problems". *Papier zur Linguistik* 7, 5-25
38. Zingler, T. (2024). The grammaticalization of noun affixes: A cross-linguistic study. *\*Studies in Language\**, 48(2).
39. *Language\**, 48(2).
40. Millaku, S., Millaku, X., & Kafexholli, T. V. (2022). The nominal clause and the noun phrases: A
41. Comparative study of Albanian and English. *World Journal of English Language*, 12(2), 352.

## A comparative study of the arrangement of structures in Persian and Italian languages based on noun-related components

Elham Akbari <sup>1</sup>, Reza Moradsohraei <sup>2\*</sup>; Ali Karimi-Firouzjaei <sup>3</sup>; Mohammad Hossein Ramzankiai <sup>4</sup>

<sup>1</sup> PhD student, Department of Linguistics, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

<sup>2\*</sup> Professor, Department of Linguistics, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

<sup>3</sup> Professor, Department of Linguistics, Payam Noor University, Tehran, Iran.

<sup>4</sup> Assistant Professor, Department of Italian and English Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: [sahraei@atu.ac.ir](mailto:sahraei@atu.ac.ir) (Corresponding author)

### Abstract

Linguistic typology is a branch of linguistics that studies the systematic differences and similarities among the world's languages, focusing on the comparison of their morphological and syntactic structures. One of the main topics in this field is word order, which serves as the basis for examining and classifying languages according to the arrangement and sequence of their structures. This study aims to identify the similarities and differences in the typological characteristics of noun phrases in Persian and Standard Italian based on typological components of word order. The analytical framework of this research is based on the structural arrangement components introduced in the works of Dabir-Moghaddam (2013) and Dryer (1992). Out of a total of 28 components presented in these studies, 11 components related to noun phrases have been examined. The results indicate that this grammatical group shows significant similarities in both languages in most cases. Generally, in both languages, dependents follow the head (noun), although there are exceptions where they precede the noun. Understanding the similarities and differences in noun phrases between the two languages can facilitate faster and easier language learning, especially in the early stages of acquiring languages such as Italian. Theoretically, conducting such research is of great importance in advancing purely comparative studies between languages.

**Keywords:** linguistic typology, grammar, noun phrase, Persian, Italian.